

سخن سردبیر

طبقه طبقه کردن جامعه: تجویز نظام آموزشی کنونی کشور ما

در طول بیش از یک دهه مشاوره و فعالیت بالینی در مراکز مختلف، همواره با یک پرسش به ظاهر ساده بسیاری از والدین روبرو شدم: فرزندانم را در مدرسه دولتی ثبت نام کنم یا غیردولتی؟

برای پاسخ دهی به این پرسش باید نه تنها وضعیت اقتصادی خانواده، توانایی‌های ذهنی-عاطفی-روانی-اجتماعی کودک، وضعیت آموزشی و رفاهی هر یک از مدارس، سطح ارائه خدمات هر کدام از مدارس دولتی و غیردولتی در شهر مربوطه، تعداد دانش‌آموزان و کادر اداری و علمی و تخصص آنها، و بسیاری از عوامل دیگر را در نظر بگیریم که باید ده‌ها متغیر واسطه‌ای و تعدیل‌گر و مزاحم و حتی نگرش‌ها و اهداف و جهان‌بینی والدین و دورنمای آنها از آینده فرزندشان را مورد توجه قرار دهم و در چند ثانیه با دقت و مهارت به والدین پاسخ مناسبی دهم.

اگر بخواهیم همه این عوامل و متغیرها را واری و در نهایت پاسخی به والدین بدهیم عملاً زمان زیادی را می‌طلبد ولی والدین یک کلمه جواب می‌خواهند در مدارس دولتی ثبت نام کنم یا غیردولتی؟ والسلام.

به راستی چه پاسخی باید به این پرسش ساده داد؟ وقتی در مدرسه‌ای غیرانتفاعی که تحت پوشش جامعه الزهراء اسلامی است به دانش‌آموز بی حساب کتاب نمره داده می‌شود که باعث می‌شود دانش‌آموز با جسارت تمام و به صراحت در مقابل اولیای مدرسه بایستد و بیان کند پول دادم که خدمات دریافت کنم؛ یا به خاطر تشخیص‌های دلخواهی و اعتراض‌های کودکانه دانش‌آموزان در مورد حتی ظاهر معلم‌ها در طی یک ترم، چهار معلم برای درسی خاص تغییر می‌کنند؛ باز هم می‌توان با طیب خاطر مدارس غیرانتفاعی را به والدین دانش‌آموزان پیشنهاد داد؟

وقتی فراوانی برخی رفتارهای نابهنجار مثل خودزنی، فحاشی، کتک‌کاری، و زورگویی در مدارس دولتی بیشتر است به راحتی می‌توان این گونه مدارس را به خانواده‌ها پیشنهاد کرد؟ وقتی از یک سو وضعیت مدارس دولتی در کشورمان به گونه‌ای است که هیچ مسئول دولتی قلباً راضی نیست فرزندش را در یکی از این مدارس ثبت نام کند که از هیچ گونه استاندارد آموزشی، بهداشتی، رفاهی، و علمی برخوردار نیست و عملاً شاهد قهوه‌خانه‌هایی هستیم که قهوه‌چی آنها به هیچ وجه حاضر نیست از قهوه آن به فرزندانش بنوشاند، و از سویی دیگر شاهد مراکز غیرانتفاعی هستیم که یا به دنبال راضی نگه داشتن والدین به هر قیمتی به خاطر منفعت مالی هستند و یا روح رقابت‌طلبی، مبارزه‌جویی، و برنده شدن به هر قیمتی را در کودکان نهادینه می‌کنند، چه پاسخی می‌توان به این پرسش ساده داد؟

دشواری‌های پاسخ دادن به این پرسش از یک سو زمانی مضاعف می‌شود که گاه با پرسشی به همان اندازه دشوار از سوی والدین مواجه می‌شویم: فرزندانم دارای توانایی هوشی بالایی است، در مرکز تیزهوشان ثبت نام کنم یا مدارس آموزش عمومی؟

در شرایطی که در جامعه فقط نخبگان و تیزهوشان دیده می‌شوند و روح مبارزه‌طلبی و رقابت‌طلبی و برنده شدن در هر نسلی و دیده شدن و بالاتر از بقیه بودن و یکه‌تازی از سنین اولیه زندگی به صورت‌های مختلف در کودکان نهادینه می‌شود و هر روز صدها هزار کودک از آغاز صبح تا نیمه‌های شب، مشغول انواع کلاس‌های آموزشی و ورزشی مختلف و انجام تکالیف هستند چقدر می‌توان به طور متقن، مدارس تیزهوشان را توصیه کرد؟

در حالی که بسیاری از دانش‌آموزان غیرتیزهوش به اجبار والدین و با صدها فوت و فن در مراکز تیزهوش آموزش می‌بینند و تیزهوشان بسیاری در مراکز آموزش عمومی؛ بسیاری از دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری خاص در مدارس آموزش عمومی هیچ گونه خدمات خاص دریافت نمی‌کنند و بالعکس بسیاری از دانش‌آموزان بدون نیازهای ویژه در مراکز آموزش جداسازی شده، خدمات آموزش ویژه را می‌کنند و به طور کلی جایدهی‌های اشتباه بسیاری صورت می‌گیرد، چگونه می‌توان با اطمینان، مدارس جداسازی شده تیزهوشان را به والدین نگران دانش‌آموزان توصیه کرد؟

در شرایطی که صدها کودک بهنجار، مریض تشخیص داده می‌شوند و صدها مریض، سالم؛ در شرایطی که ده‌ها متخصص غیرروانشناس در پست روان‌شناس و روان‌سنج از کودکان آزمون هوش به عمل می‌آورند؛ در شرایطی که مدیر یک مدرسه به خود اجازه می‌دهد که دانش‌آموزان را بر حسب میزان هوش آنها جداسازی کند و لایه‌های طبقاتی و تبعیض و فخرفروشی را از کودکی در آنها نهادینه کند چگونه می‌توان مدارس تیزهوشان را پیشنهاد داد؟

آموزش و پرورش طبقاتی، جامعه را طبقاتی می‌کند، طبقه باهوش و کم‌هوش - طبقه نخبه و غیرنخبه - طبقه دارا و ندار - وقتی نظام آموزشی چه در خاتواه و چه در مدرسه، روح متفاوت بودن، برتر بودن، بالاتر بودن، ممتاز بودن، برنده شدن، و برخوردار بودن را با هزاران قصد و نیت پاک و ناپاک در کودکان نهان می‌سازد و به جای این که رسم زندگی کردن با هم و با هم نفس کشیدن و با هم شاد بودن و خندیدن و ... را به دانش‌آموزان یاد دهد، آنها را در مکان‌ها و با روش‌های مجزایی می‌پروراند؛ چگونه می‌توان روح برابری و مساوات را در جامعه پرورش داد؟ ایجاد تغییراتی اساسی در چنین نظام آموزشی که روح تبعیض را در جامعه پروراند و ترویج می‌دهد، قابل تأمل است.

عباسعلی حسین‌خانزاده

دانشیار دپارتمان روان‌شناسی دانشگاه گیلان

۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۸